مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۱۳ در عکا: درباره بدایع وقوعات در سفر به غرب

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۱۳ در عکا:[[1]](#footnote-1)درباره بدایع وقوعات در سفر به غرب[[2]](#footnote-2)

#### (خطابات جلد سوم، ص. ۸۲-۸۳)

هواللّٰه

واقعاً چقدر مردم بی انصافند. از روزی که حضرت مسيح ظاهر شده تا يومنا هذا، نفسی نتوانسته است که در کنيسه های يهود ذکر مسيح را بکند، حالا بهائيان در معبد يهود اثبات می کنند که مسيح کلمة اللّه است. مسيح روح اللّه است و در کليسای نصاری اثبات می کنند که حضرت رسول پيغمبر الهی است. با وجود اين، مردم از ما راضی نيستند. يک روزی در نيويورک می رفتيم در کليسائی صحبت بداريم. يک شخص هندی از بزرگان آن بلاد ما را تصادفاً ملاقات کرد که رو به کليسا می رويم، تعجّب نمود پيش خود گفت بروم ببينم چه خبر است. آمد در کليسا ديد در بالای صفّه من ايستاده ام و اثبات حقّانيّت نبوّت حضرت رسول اللّه را می کنم. واقعاً حيران شد. وقتی آمديم بيرون، چنان صورتش بشّاش بود که وصف ندارد. گفت و اللّه چه حکايتی است که در کليسای مسيحی در حالتيکه قسّيس ها و مسيحيان حاضر باشند، کسی اثبات نبوّت حضرت رسول را بنمايد؟ خيلی منجذب به امر شد. فی الحقيقه کليسا پر از نفوس بود. بعد هم قسّيس اظهار تشکّر و ممنونيّت و سرور کرد.

در اين سفر، هر چند ما در نهايت عجز و ضعف بوديم، لکن تأييدات جمال مبارک مثل دريا موج می زد و در هرجا که وارد شديم، چون بنای صحبت گذارديم، ديديم جميع ابواب مفتوح و انوار شمس حقيقت چنان تأييد می نمايد که حدّ و وصف ندارد. در هر جائی که وارد شديم، چه در کنائس، چه در معابد، چه در مجامع، اوّل توجّه به ملکوت ابهی می نمودم، يک چند دقيقه و تأييد می طلبيدم بعد ملاحظه می کردم. که تأييدات جمال مبارک در اوج آن محفل موج می زند، آن وقت بنای صحبت می کردم.

الحمد للّه که در ايّام جمال مبارک امرش در آفاق شهرت يافت و جميع آثار حتّی احبّای او ظاهر و هويدا است. ايرانی ها می گفتند که ايران چه خواهد شد من گفتم که اين تفاصيلی که الآن در ميان است اسباب دمار است اين اختلافات اين احزاب مختلفه يکی دموکرات و يکی معتدل اينها روز به روز ايران را ويران می کنند شما قياس کنيد حالت حاليهٔ ايران را با ده سال قبل اين اختلافات ايران را ويران کرده است و روز به روز بيشتر می شود. می گفتند مستقبل چه نوع است گفتم مستقبل ايران را بيک مثل از برای شما می گويم بعد خودتان قياس کنيد دليل کافی وافی است.

اين مکّه يک قطعهٔ سنگستان است وادی غير ذی زرع ابداً گياهی در او نمی رويد آن صحرا صحرای شن زار است و در نهايت گرما قابل اينکه آباد شود نيست. از سنگستان و شن زار بی آب چه خواهد روئيد؟ لکن به جهت اينکه وطن حضرت رسول بود سنگستان اين سنگلاخ قبلهٔ آفاق شد جميع آفاق رو به او سجده می کنند ديگر از اين بفهميد که مستقبل ايران چه خواهد شد اين نمونه است. اين سنگلاخ به جهت اينکه وطن حضرت رسول بود قبلهٔ آفاق شد امّا ايران که سبز و خرم است گل های خوب دارد هوايش لطيف است مائش عذب است از اين قياس کنيد که چه خواهد شد اين ميزان کافی است.



1. قسمتی از این متن در ضمن خطابه "مورخ ۲۳ دسامبر۱۹۱۳ در حیفا: درباره ترقیات امر مبارک و مستقبل پر شکوه ایران(فارسی)

تکرار شده بود و بنابراین از این خطابه حذف گردید. [↑](#footnote-ref-1)
2. نطق مبارک شب ۱۹ماه محر ۱۳۳۲ در عکا [↑](#footnote-ref-2)